



نقد و بررسی مزارنویسی در تاریخ‌نگاری محلی ایران (از نیمه دوم سده هشتم تا نیمه دوم سده دوازدهم هـ.ق)

تاریخ :: تاریخ نامه ایران بعد از اسلام :: زمستان 1391 - شماره 5 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 165 تا 196

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1021237>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان
تاریخ دانلود : 31/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۹۱، صفحات ۱۶۵-۱۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۳۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۳/۱

نقد و بررسی مزارنویسی در تاریخ‌نگاری محلی ایران (از نیمه دوم سده هشتم تا نیمه دوم سده دوازدهم ه.ق)

اصغر منتظر القائم^۱
محمد علی چلونگر^۲
بهمن زینلی^۳

چکیده

تدوین دایره‌المعارف گونه مزارها را باید بخشی از تاریخ‌نگاری محلی با رویکردی مذهبی و فرهنگی دانست. از نظر تاریخ شهرنشینی، این‌گونه کتب از این جهت اهمیت داشته‌اند که وجود قبور عرفا، علما و اولیا، عاملی برای حفاظت شهر از آفات و بلیات انسانی، آسمانی و طبیعی بشمار می‌آمدند. آثار مزارنویسی در نکته مهم و قابل توجه این‌که تدوین عمده کتب مزارات در ایران از زمان روی کار آمدن تیموریان آغاز شده و قبل از آن ما کتب مستقل زیادی در مزارنویسی در تاریخ ایران نمی‌بینیم. این امر را بیشتر از همه باید معلول رشد تصوف در این دوره دانست. از نیمه دوم سده هفتم تا نیمه اول سده دوازدهم در مجموع نه کتاب به صورت مستقل درباره مزارات شهرهای تبریز، شیراز، هرات، سمرقند، بخارا و کرمان تألیف شده است. مزارنویسان عمدتاً گرایش عرفانی داشتند و اکثراً از علما، شعراء و عرفای زمان خود بودند و هدفشان راهنمایی زائران و شنا ساندن قبور اما مان و فرزندان آن‌ها، آموزش آداب زیارت و پرهیز از اعمال ناروا در قبرستان‌ها، تقرب به ارواح طیبه و مشاهده مقدسه علمای دین و مشایخ، آشکار ساختن قدر و اعتبار و ارزش علما و مشایخ اسلام و اولیای

Email: Montazer5337@yahoo.com

Email: M.chelongar@itr.ui.ac.ir

Email: bahman.zeinali@gmail.com

۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲- استاد یار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۳- دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

بزرگ بوده است. اما توانسته‌اند به نوعی، بسیاری اخبار و روایات و اطلاعات درباره حیات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی شهرها را ارائه دهند.

واژه های کلیدی: مزارنویسی، تاریخ‌نگاری محلی، تیموریان، صفویه.

مقدمه

تدوین دایره‌المعارف گونه مزارها را باید بخشی از تاریخ‌نگاری محلی با رویکردی مذهبی و فرهنگی دانست. مزارنویسی در حقیقت نوعی از انواع مختلف شرح حال‌نویسی (بیوگرافی) است که در آن‌ها نویسندگان دسته‌بندی خاصی را مبنای تألیف و جمع‌آوری کتب خود اختیار می‌کنند؛ مانند کتاب‌های: تراجم، طبقات، معجم‌ها و رجال و طبعا هر نویسنده‌ای از دسته‌بندی خود منظوری علمی یا عملی در نظر داشته است. آثاری که درباره مزارات نوشته شده‌اند در اصل برای تعیین محل دقیق مزارات و راهنمایی زائران تدوین شده‌اند و از نظر تاریخ‌شناسی دارای اهمیت هستند، اگرچه مزارنگاران عموماً فقط به ترجمه احوال صاحبان مزار پرداخته‌اند و کمتر به نقد و انتقاد مدفونان در مزار، از جهت تبارشناسی یا تحقیق در مکان دفن پرداخته‌اند و یا علت تعداد مزارات را با یک نام و نسب روشن ننموده‌اند.

آثار مزارنویسی عمدتاً دو دسته‌اند: موضوع کتب دسته اول، به صورت ویژه به مزارات یک شهر و ناحیه اختصاص دارد. این آثار علاوه بر بیان جغرافیای تاریخی، ویژگی‌های اقلیمی و محاسن یک شهر و ارائه نشان قبور رجال، دانشمندان، اهل سیاست و کمال و شرح کامل



ابعاد زندگانی آن‌ها، اطلاعات، اخبار و روایات بسیاری درباره حیات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی آن شهر را نیز ارائه می‌دهند، که در نوع خود معتنم و ارزشمند است؛ لذا این گونه آثار در کنار تاریخ شهرها از منابع مهم «تاریخ محلی» مناطق محسوب می‌شدند.

دسته دوم، آثاری هستند که در قالب تاریخ نامه‌های محلی (شهری- منطقه‌ای) و فرهنگ نامه‌های محلی (تراجم، طبقات، معجم‌ها و رجال) تدوین شده‌اند، اما به صورت مشخص و معین، فصلی یا فصل‌های را به مزارات اختصاص داده‌اند؛ مانند: تاریخ یزد، تاریخ جدید یزد، جامع مفیدی، تذکره شوشتر و یا آثاری که در لابه لای مطالب به صورت غیر مستقیم به بحث مزارات پرداخته‌اند.

نظر به این‌که تا کنون پژوهش مستقلی در باره مزارنویسی صورت نگرفته و پژوهش‌های صورت گرفته هم عمدتاً در باره یک یا چند مزار بوده و نه در باره مزارنویسی، این مقاله در صدد است که با روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای و به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل آثار مزارنویسی در طی سده‌های هشتم تا دوازدهم بپردازد. مسأله‌ای که در این پژوهش مورد نظر قرار گرفته، پرداختن به این مهم، یعنی سیر تحول مزارنویسی در ایران از نیمه دوم سده هشتم تا نیمه دوم سده دوازدهم است. سؤال اصلی مورد نظر این است که: علل اصلی رشد این شاخه از تاریخ‌نگاری محلی در این دوره چه بوده است؟ در همین راستا سؤال‌های فرعی

دیگری طرح می‌شود، از جمله: ۱- هدف مزارنویسان از تدوین آثارشان چه بوده؟ ۲- نویسندگان این آثار عمدتاً وابسته به چه نحله فکری بوده‌اند؟ ۳- مخاطبان این آثار چه کسانی بوده‌اند؟

۱- مزارنویسی در ایران

مزارنویسی در ایران و برخی از سرزمین‌های اسلامی پیشینه طولانی دارد. اشاره به مزارات، مراقب و مشاهده متبرکه در تاریخ‌های محلی ایران سابقه‌های دیرینه دارد.^۱ در قالب کتاب مستقل نخست در کتاب «شد الازار عن زوار المزار» یا مزارات شیراز از معین الدین جنید بن محمود شیرازی است که در حدود سال ۷۹۱ ق/ ۱۳۹۰ م تألیف گردیده است و در قالب فصلی مشخص ابتدا در تاریخ یزد نوشته جعفر بن محمد جعفری در سال ۸۱۷ ق، آغاز شده است. نکته مهم و قابل توجه این‌که تدوین عمده کتب مزارات از به روی کار آمدن تیموریان آغاز شده و قبل از آنان ما کتب مستقل در مزارنویسی در تاریخ ایران نمی‌بینیم. این امر را بیبشتر از همه، باید معلول رشد تصوف در این دوره دانست. رشد جریان‌های صوفی‌گرایانه در جامعه اسلامی و همچنین شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران پس از حمله مغول زمینه توجه بیشتر به مزارات شد؛ چرا که در این دوره نوعی گرایش به درون‌گرایی البته در قالب عناصر بیرونی برای التیام دردهای ناشی از آثار حملات مغولان در

۱- اشاره به مزارات شهرها را می‌توان در آثاری چون تاریخ نیشابور نوشته حاکم نیشابوری (۳۳۱-۴۵۰ ق) و تاریخ بیهق نوشته ابن فندق (۴۹۰-۵۶۵ ق) مشاهده کرد.

جامعه پدید آمد. اعتکاف در مزار علما و عرفا یکی از روش‌های بود که بسیاری از مردمان برای ایجاد آرامش در دل‌ها و اذهان خود انتخاب کردند.

اگرچه حاکم نیشابوری (۳۲۱ / ۴۰۵ ق) در تاریخ نیشابور و ابن فندق (۴۹۰ / ۵۶۵ ق) در تاریخ بیهق از نخستین کسانی هستند که به مزارات این شهرها پرداخته‌اند. (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۲۱۱-۲۲۳ / ابن فندق، ۱۳۶۱: ۲۶۸، ۲۸۴)، اما مزارنویسی به صورت مستقل و خاص از فارس و از شهر شیراز شروع شد. با وجود این که شیخ ابو شجاع محمد بن سعدان مقاریضی (متوفی ۵۰۹ ق / ۱۱۱۶ م) و قبل از آن ابوالحسن دیلمی (متوفی ۳۷۱ ق / ۹۸۱ م) به نحوی این مسئله را مورد توجه قرار داده بودند (شیرازی، ۱۳۶۶: ۳۲)، اما نخستین کتاب مستقل در این موضوع در اواخر قرن هشتم هجری توسط معین الدین جنیدین محمود شیرازی بنام شد الازار فی حط و الاو زار عن زوار المزار در سال ۷۹۱ ق / ۱۳۹۰م تألیف شد. از این تاریخ تا نیمه قرن دوازدهم در مجموع نه کتاب به صورت مستقل درباره مزارات شهرهای ایران تألیف شده است که از مجموع این نه اثر دو اثر در اواخر قرن هشتم و سه اثر در قرن نهم و سه اثر در قرن دهم و یک اثر در قرن یازدهم تدوین شده‌اند. اوج تألیف این آثار در سده‌های نه و ده یعنی دوره تیموریان بوده است و با قدرت‌گیری صفویان، این شاخه از تاریخ‌نگاری محلی رو به افول گذاشت. به نظر می‌رسد با قدرت یافتن صفویان به ویژه بعد از به قدرت رسیدن شاه عباس اول (۹۹۶ -

۱۰۳۸ ه.ق) در راستای سیاست تمرکزگرایی صفویان از یک طرف و به حاشیه رفتن جریان‌های عرفانی و متصوفانه از طرف دیگر، پرداختن به تاریخ‌های محلی بشدت رو به افول گذاشت و مزارنویسی هم، که بخشی از تاریخ‌نگاری محلی بود و تحت تأثیر رشد جریان تصوف شکل گرفته بود، از این امر متأثر شد و دچار رکود گردید.

۱-۱- پراکندگی جغرافیای مزارنویسی

پراکندگی جغرافیای آثار مزارنویسی در ایران از سده هشتم تا سده دوازدهم بسیار فابل تأمل است. از مجموع نه عنوان آثار تدوین شده در این دوره، دو عنوان (شدالازرار و هزار مزار) به شیراز و دو عنوان (مقصد الاقبال و وسیله الشفاعات) به هرات و دو عنوان (روضات الجنان و جنات الجنان و روضه اطهار) به تبریز و یک عنوان (قندیه) به سمرقند و یک عنوان (تاریخ ملازاده) به بخارا و یک عنوان (تذکره الاولیاء) به کرمان، تعلق دارند. این پراکندگی جغرافیایی مبین این حقیقت است که کانون تجمع علما و زهاد و اولیاء در دوره تیموریان عمدتاً در هرات، فارس، کرمان، سمرقند، بخارا و تبریز بوده و شهرهایی چون اصفهان، بلخ، نیشابور که از شهرهای بزرگ ایران بودند، مطمح نظر علما، مشایخ و اولیاء نبوده‌اند. از طرفی، با توجه به این‌که یکی از انگیزه‌های نویسندگان مزارات، راهنمایی زائران این مزارات بود، این آثار نشان‌دهنده نوع نگاه جامعه آن عصر در خصوص توجه به مزارات و بقعه علما، زهاد،

و اولیاء بوده است.

۱-۲- پراکندگی زمانی کتاب‌های مزارات

از نیمه سده هشتم تا نیمه سده دوازدهم در مجموع نه کتاب درباره مزارات شهرهای ایران تألیف شده است که از مجموع این نه اثر دو اثر، در اواخر قرن هشتم (شد الازار و قندیه) و سه اثر در قرن نهم (تاریخ ملازاده، تذکره هزار مزار و مقصد الاقبال) و سه اثر در قرن دهم (وسیله الشفاعات، تذکره الاولیاء و روضات الجنان و جنات الجنان) و یک اثر در قرن یازدهم (روضه اطهار) تدوین شده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اوج تألیف این کتب در قرون نه و ده یعنی دوره تیموریان بوده است. این امر متأثر از فضای فرهنگی حاکم در این دوره است. در این دوره اندیشه‌های عرفانی به شدت رشد کرده و اهل طریقت چه در هنگام حیات و چه پس از فوت مطمح نظر و پناهگاه توده مردم بودند، اما با قدرت‌گیری صفویان این شاخه از تاریخ‌نگاری محلی رو به افول گذاشت.

۱-۳- گرایش فکری نویسندگان مزارات

نکته مهم و حائز اهمیت نوع نگاه و مقام علمی نویسندگان این آثار است. عمده این نویسندگان مشرب تصوف داشتند و اکثراً از علما (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶۶)، شعراء و عرفای زمان خود بودند (معین الفقراء، ۱۳۷۰: ۶۶) و با توجه به ماهیت مزارنویسی که متأثر از حاکمیت تفکر عرفانی بود، به طور طبیعی عمده نویسندگان این آثار گرایش عرفانی داشتند. و رابطه‌ای تنگاتنگ بین مزار نویس و مدفونان

در مزار وجود داشت؛ چراکه قطع نظر از آرامگاه‌های امامان و امام زادگان، بیشتر مزارات به عرفا و متصوفین مربوط است که اینان از عارفان و زهاد و متقیان عصر خویش بوده‌اند و اغلب مردم زمانه از مریدان و ارادتمندان آن‌ها محسوب می‌شده‌اند که پس از مرگ با ایجاد بقعه و بارگاه بر مزارشان، آن‌ها را مانند ایام حیات معزز و محترم می‌شمرده‌اند (زنگنه، ۱۳۷۳: ۱۹۰).

۱-۴- اهداف نویسندگان مزارات

نویسندگان کتب مزارات، از نوشتن این آثار اهداف متعددی داشته‌اند: ۱- هدف عده‌ای از آن‌ها راهنمایی زائران و شناساندن قبور امامان و فرزندان آن‌ها بوده است، که از سوی شیعه و علمای آن مذهب، استحباب زیارتی و زیارتگاهی یافته‌اند. در این آثار فقط به ترجمه احوال صاحب مزار اشاره شده و کمتر به نقد و انتقاد مدفون در مزار از جهت تبارشناسی یا تحقیق در مکان دفن اولاد اطهار پرداخته شده است (اذکایی، ۱۳۸۴: ۱۱)؛ ۲- عده‌ای هم به جهت تقرب به ارواح طیبه و مشاهد مقدسه علمای دین و مشایخ روی زمین به تألیف کتاب مزارات پرداخته‌اند (معین‌الفرق، ۱۳۷۰: ۱)؛ ۳- و برخی هم به اشاره سلطانی (واعظ، ۱۳۵۱: ۴)؛ ۴- برخی دیگر از جهت حب وطن و زنده نگاه داشتن نام بزرگان شهرشان به نوشتن مزار نامه‌ها دست زده‌اند (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳-۴).

در مجموع مهم‌ترین انگیزه‌ای که ایشان را به تألیف چنین کتاب‌هایی برمی‌انگیخت این بود

که برخی شهرهای بزرگ اسلامی، چون محل تجمع و استقرار حلقه‌ها و کانون‌های فرهنگی و علمی و فعالیت اهل دعوت و تبلیغ آن زمان بوده است. اغلب بسیاری از چهره‌های مهم و رهبران فکری در آن شهرها جمع می‌شده‌اند. با گذشت زمان مقابر و مزارات متعلق به این افراد، که مورد احترام عامه بودند، در شهر متراکم می‌شده است، به نحوی که امکان شناسایی دقیق آن‌ها دشوار شده و لذا گاه وجود مقابر آنان در شهرها به دست فراموشی و نسیان سپرده می‌شد، در حالی که نام آن‌ها زنده و مورد استناد و یا توسط مردم بوده است؛ لذا برخی از اهل فضل با نوشتن کتاب‌های مزارات سعی در توجه دادن و یادآوری نشان و اسامی مقابر هر یک از بزرگان مزبور در شهر داشتند، تا زیارت قبور آنان را احیا کنند. اکنون کتاب‌هایی درباره تاریخ مزارات شهرها مختلف در دسترس است که علاوه بر ارائه نشانی قبور رجال، دانشمندان و اهل سیاست و کمال یک شهر، به نوعی بسیاری اخبار و روایات و اطلاعات درباره حیات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی آن شهرها را ارائه می‌دهند که می‌توان آن‌ها را از منابع مهم تاریخ محلی مناطق محسوب کرد (یوسفی فر، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

فهم دقیق اهداف نویسندگان این آثار امکان شناخت مخاطبان آن‌ها را فراهم می‌کند. با توجه به اهداف بیان شده، دسته نخست مخاطبان این آثار توده و عموم مردم بوده و این آثار برای آشنایی آن‌ها با صاحبان مزار و شیوه زیارت آن‌ها تدوین شده است (معین الفقرا، ۱۳۷۰: ۱۳). دسته دوم، بزرگان و عالمان دینی

بودند که جهت اینکه نام بزرگان به حرمت و عزت برده شود و از جهت زنده کردن آثار صاحبان مزار و طلب رحمت برای آنان به جهت متابعت از اسلاف، علاقه‌مند به کتب مزارات بودند (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳) و دیگر، حاکمان و فرمانروایان بودند که البته با اهدافی خاص و متفاوت، امر مزارنویسی را تشویق می‌نمودند (واعظ، ۱۳۵۱: ۴).

۱-۵- اهمیت ادبی آثار مزارنویسی

به جز کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار، که توسط جنید شیرازی به عربی نوشته شده و پس از مرگش، فرزندش عیسی بن جنید آن را به فارسی ترجمه کرده و به هزار مزار معروف گشته، همه آثار مزارنویسی در این دوره به زبان فارسی تدوین شده‌اند. البته سبک ادبی این آثار همانند نیست؛ چرا که هم از جهت جغرافیای مکانی و هم از جهت جغرافیای زمانی با هم تفاوت دارند. اما اکثر این آثار از نظر ادبی در مکان بلندی قرار ندارند و دلیل این امر بیشتر به گرایش فکری، اهداف و مخاطبان نویسندگان این آثار برمی‌گردد. از آنجایی که مزارنویسان عمدتاً به جریان تصوف وابسته بودند و مخاطبان‌شان نیز توده و عوام بودند به عبارت آرای می‌ترسلانه، که در این زمان رواج داشته بی‌اعتنا بوده‌اند (همان، ص ۳) و به همین دلیل سبک این آثار ساده و غیر محکم (باستانی پاریزی، ۱۳۴۰: ۹) و همراه با اغلاط و مسامحات بسیار است (شیرازی، ۱۳۲۸: ج مقدمه).

۱-۶- ساختار و محتوای آثار مزارنویسی

درباره ساختار کتاب‌های مزارات می‌توان گفت که این کتاب‌ها در قالب یک مقدمه و یک متن تدوین شده‌اند. ساختار مقدمه عبارت است از: محاسن شهر، اهمیت زیارت قبور و پاسداشت مدفونان، انگیزه و هدف نگارندگان این آثار، فهرست مطالب متن کتاب. م‌شروح‌ترین بخش مقدمه، اهمیت زیارت قبور و نکو داشت مدفونان است که اغلب با استناد و احادیث نبوی بیان شده و بعضاً هم از منابع قبلی اخذ شد است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۶۳؛ واعظ، ۱۳۵۱: ۴؛ کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۱-۳). بر خلاف مقدمه که در کتاب مزارات بسیار موجز و خلاصه‌گویی شده، ساختار اصلی متن، عموماً با شرح‌های بلندی آغاز شده و مملو از اخبار غلوآمیز و روایت‌های غیر واقع است.

نکته مهم و اساسی در کتاب‌های مزارات در عصر تیموری نگاه تسامح‌گرانه آن‌هاست که از تاثیر اندیشه‌های عرفانی در نوشته‌های آن‌ها متأثر است. بر خلاف آثار متأخر مثل روضه اطهار، که در دوره شاه عباس صفوی نوشته شده، غالب کتاب‌های مزارات فارغ از تعصبات مذهبی بوده و ضمن پاسداشت ارزش‌های اسلامی، به اهل بیت پیامبر (ص) نگاه ویژه‌ای دارند. این نوع نگاه هم، محصول غلبه تفکر تصوف در این عصر است و هم، نمایان‌نگر یک دوران شاخص مذهبی در عرصه حاکمیت سیاسی و نکته قابل توجه دیگر این‌که هرچه از شرق به غرب ایران حرکت می‌کنیم این تسامح بیشتر نمایان است، هر چند منابع شرق ایران چون بخارا، هرات و

سمرقند هم قابل قیاس با فضای فرهنگی قبل از حمله مغولان نیستند. اهمیت دیگر این آثار، توجه ویژه این آثار به تاریخ محلی است. این آثار همگی تصویر روشنی از احوال فرهنگی، علمی و اجتماعی شهر مورد نظر ارائه می‌دهند. به ویژه این که این آثار امکان شنا سایی نخبگان فرهنگی یک شهر اسلامی در قرون میانه تاریخ ایران را فراهم می‌آورند. ارزیابی و قضاوت مؤلفان در مورد افراد، نشانگر میزان سلطه و نفوذی است که شخصیت افکار و سیره شخصیت‌های مهم در این شهرها داشته‌اند.

۲- کتاب شناسی

۲-۱- شد الازارفي حط الازار عن زوار المزار

این کتاب نوشته شیخ الاسلام معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن عمري شیرازی (وفات بعد از سال ۷۹۱ ه.ق) از کبار علما، وعاظ و شعرای شیراز در قرن هشتم است که کتابش را به نثر عربی نوشته و به نام‌های المزارات و کتاب المزارات نیز خوانده شده (شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۶۵). از زندگی او اطلاعات چندانی در اختیار نیست. او کتاب شد الازار را در سال ۷۹۱ ه / ۱۳۹۰م تألیف نمود و در اواخر همین قرن در حوالی سال ۸۰۰ ه / ۱۳۹۸م در گذشت (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶-۲۷).

معین الدین جنید شیرازی این کتاب را در شرح احوال و تعیین محل قبر جمع کثیری از زهاد و علما و امراء و سلاطینی که در شیراز دفن شده‌اند نوشته است. مؤلف کتابش را به عدد ایام هفته به هفت نوبت، که هر نوبت شامل ذکر مدفونان یکی از قبرستان‌های معروف

شیراز باشد تقسیم نموده، تا زیارت‌کنندگان هر کدام را به نوبت در یکی از ایام هفته و اگر نتوانند هر کدام را در يك شب جمعه یا صبح شنبه زیارت کنند و به این ترتیب زیارت خود را از تمام آن‌ها در هفت روز یا هفت هفته به انجام رسانند. هدف مؤلف نه بیان تاریخ، بلکه آگاه کردن برادران دینی از زیارت قبور و یاد کردن اهل قبور است تا بعضی سیرت و اوصاف و فضایل آنان بیان گردد و الگویی برای متابعان و راهنمایی برای زائران مزارات باشد (همان: ۳۰، ۳۳).

اگرچه مؤلف این کتاب مورخ نبوده و به همین جهت اغلاط و مسامحات زیاد بر قلم او جاری شده، اما به علت قدمت زمان و دسترسی داشتن به يك عده کتبی که اکنون دیگر اثری از آن‌ها برجا نیست و معاصر بودن با پاره‌ای از اشخاص و وقایعی که در این کتاب به ذکر آن‌ها پرداخته، اطلاعات گران‌بهایی به دست می‌دهد، که سایر مأخذ تاریخی موجود از آن‌ها خالی است و این جمله به روشن کردن بسیاری از حوادث تاریخی مربوط به فارس و نواحی مجاور آن و ترجمه احوال جمعی از رجال منتسب به آن سرزمین، کمکی شایان می‌نماید (شیرازی، ۱۳۲۸: ج).

از طرفی کتاب شدالازار، يك اثر صوفیانه است که با هدف کسب ثواب و اجر در احوال عرفا، مشایخ و علمای مشهور نوشته شده است و لحن مداحانه و مملو از کشف و شهود و روایات کرامات گونه بسیار دارد. مؤلف حتی در احوال حاکمان و شخصیت‌های سیاسی هم این شیوه را

ادامه داده است (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶۶، ۲۶۸). او اعتقاد دارد زائر باید به این اصل معتقد باشد که میّت دارای درک و فهم است و با این مسأله زیارت معنی پیدا می‌کند (همان: ۲۵). با این توصیف، مؤلف اثر خود را به یک تذکره صوفیانه مبدّل کرده است؛ هرچند تلاش کرده همانند مؤلف شیرازنامه، تحصیلات، استادان و مشایخ، آثار و وفات صاحب ترجمه را بنویسد. منابع مولف نیز بیشتر به تواریخ صوفیانه و مشایخ مانند طبقات الصوفیه ابوعبدالحسن سُلمی، حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی و تذکره اولیاء عطار نیشابوری متکی است (شیرازی، ۱۳۶۴: ۵۹-۶۰-۶۱، ۶۸، ۸۲-۸۳).

این کتاب با اینکه برخی اشتباهات تایخی و لغزش‌های علمی دارد که البته مورد نقد و ایراد مرحوم قزوینی است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۸۴-۲۸۵، ۳۰۴)، اما دارای امتیازات و سودمندی‌های بسیار است که ارزش آن را دو چندان کرده است. از جمله: مؤلف در تدوین آن، از منابعی سود برده است که اکنون بسیاری از آن‌ها موجود نیست (صفا، ۱۳۶۹: ج ۳/۲، ۱۰۶) و اطلاعات سودمندی در باب محلات (همان: ۱۱۸-۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۰، ۲۶۶، ۳۰۰-۳۰۱، ۳۰۴، ۳۲۴، ۳۶۷)، مدارس، مساجد و خانقاه‌های شیراز قرن هشتم در آن ذکر شده است (همان: ۲۱۲-۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۷-۲۸۸)؛ برخی واژه‌های با لهجه شیرازی نیز مانند «بازارو» در آن دیده می‌شود (همان: ۱۳۰، ۲۷۲)؛ کتاب حاوی شماری از اسامی و اعلام کهن ایرانی مانند «اسکفشاذ» (اسفکشار) «فرّ کوه» و «مناور» است (همان: ۳۸، ۲۹۴، ۳۷۳)؛ اخبار

برخی جریان‌ات فکری مانند پخش آثار معتزله در شیراز، در آن درج شده است (همان: ۳۲۹)؛ برخی سنن و آداب مانند سنت وقف و یا استنساخ کتاب در آن انعکاس یافته است (همان: ۲۹۷، ۳۷۹).

مؤلف کتاب خود را در یک مقدمه و در هفت نوبت تقسیم‌بندی کرده است. مؤلف در مقدمه اثرش ضمن اشاره به فضائل شهر شیراز، به تفصیل و با استناد به احادیثی دال بر استحباب زیارت، اقدام به آن سخن کرده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳، ۲۵). در هفت نوبت کتاب، مؤلف مجموعاً تذکره ۳۱۵ نفر را بیان کرده که نخستین فرد شیخ احمد کبیر (همان: ۳۸) و نفر سید و پانزدهمین یعنی آخر کسی که ترجمه حال او در این کتاب آورده شده شیخ مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعیدی شیرازی است و در همین کتاب شدالازار است که نام و کنیه شیخ صحیح و بر طبق مأخذ قدیمی دیگر نوشته شده است.

کار تصحیح این کتاب در سال ۱۳۲۰ شمسی به پیشنهاد مرحوم علامه قزوینی و با کمک مرحوم عباس اقبال آغاز شد. اما به دلیل بیماری مرحوم قزوینی مدتی به طول انجامید و بالاخره در سال ۱۳۲۸ منتشر شد. علاوه بر اهمیت محتوای کتاب، که بدان اشاره شد، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این اثر، حواشی و اضافاتی است که مرحوم قزوینی بر این کتاب نگاشته‌اند، که از صفحه ۴۶۵ و ۵۶۶ را شامل می‌شود. عباس اقبال در این خصوص می‌نویسد: تصحیح شدالازار و نوشتن حواشی بر آن آخرین

کار مهم علامه مرحوم قزوینی یعنی آخرین نمونه کار دقیق علمی توأم با انتقاد درست آن بزرگوار است؛ به همین جهت می‌توان آن را کامل‌ترین و دقیق‌ترین یادگار عمر و از آثار جاویدان آن مرحوم دانست (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲).

۲-۲- قندیه

رساله قندیه نوشته محمد بن عبدالجلیل سمرقندی است که در ذکر مزارات سمرقند تألیف شده است. او کتاب استاد خود عمر بن محمد حنفی را خلاصه و گزیده کرده و به نام «قندیه» مرسوم ساخته است. در اواخر دوره تیموریان فردی ناشناس اما صاحب ذوق با افزودن مطالبی از اخبار و اطلاعات دوره تیمور و بعد از آن به این کتاب با همان نام آن را تدوین کرد و آنچه به نام قندیه اکنون در دست است، همان متن تدوین شده اواخر عصر تیموری است که ملا عبدالحکیم از روی «نسخ متعدد» جمع کرده است و متأسفانه مأخذ هر یک از قسمت‌ها را متذکر نشده است و لذا اکنون امکان فهرست‌بندی کتاب وجود ندارد و به همین دلیل نسخه چاپی برمبنای یک نظم منطقی جمع‌آوری نشده است.

از احوال مؤلف یا مؤلفان اطلاع دقیقی در دست نیست و لذا امکان تشخیص اهداف مؤلف نخستین یا تکمیل‌کنندگان بعدی وجود ندارد، به ویژه که اثر موجود به صورت انتخابی از نسخ متعدد جمع‌آوری شده است، اما از محتوای کتاب روشن است که انگیزه اصلی از تدوین کتاب حب وطن بوده و هدف معرفی و نکو داشت بزرگانی از علماء، امام زادگان، عرفا و

فتیان مدفون در سمرقند بوده است. مؤلف این هدف خود را صرفاً با ذکر کرامات، که عمدتاً هم غیر واقع است، بیان می‌کند و از ارائه اطلاعات دقیق در مورد علما و بزرگان صرف‌نظر کرده و شاید هم این اطلاعات را در دسترس نداشته است.

این کتاب از نظر تاریخی واجد اهمیت چندانی نیست. چه اکثر مطالب تاریخی آن به افسانه و داستان‌های عجیب شباهت دارد تا به مطالب تاریخی، به ویژه این‌که هر جا به مطلب تاریخی اشاره کرده عمدتاً باطل و غیر صحیح هستند. مانند امارت قثم بن عباس در سمرقند در زمان حیات رسول خدا (افشار، ۱۳۶۷: ۴۶) یا اخبار غلط در مورد نوادگان پسری از دختر پیامبر از جمله رقیه همسر عثمان (همان: ۴۷)، قصه شاه زنده و زبورشاه (۵۱-۶۳) و قصه همسر امام حسن (ع) از دختر شاه ختای و اسلام آوردن هولاکو (همان: ۱۲۵). اما از جهاتی این کتاب دارای ارزش و اعتبار است:

نخست این‌که از نظر ادبی، این کتاب اثری از اواخر دوره تیموریان بوده و اصطلاحاتی که به کار می‌برد مبین رواج این ادبیات و اصطلاحات در دوره تیموریان در سمرقند هستند (همان: ۹۹).

دوم این‌که نام بسیاری از بزرگان در عرفان را ذکر کرده هر چند از حیث انتساب مطالب به آن‌ها اکثر اخبار تاریخی غلط است.

سوم- اشاره به بعضی از محلات و نواحی در سمرقند که از جهت جغرافیایی تاریخی حائز

اهمیت است. مانند چشمه رحمت آباد، بید میدان نو باغ (همان: ۲۹) مسجد رباط (همان: ۲۱).

چهارم - ارائه تصویری از نگاه اعتقادی جامعه آن روز سمرقند به ویژه در باب حضرت خضر و همچنین نگاه جامعه آن روز سمرقند نسبت به بزرگان دینی که نشان‌دهنده حاکمیت یک تفکر اهل سنت متمایل به اهل بیت (ع) است (همان: ۸۲-۸۳).

پنجم - معرفی بسیاری از بزرگان طریقت و فقیهان سمرقند (همان: ۱۲۴).

ششم - اشاره به تولد و وفات بعضی از شخصیت‌هایی که معرفی می‌کند (همان: ۸۳-۴۴).

هفتم - اشاره به سلسله عرفای بزرگ و انتصاب آن‌ها به امام جعفر صادق (ع) (همان: ۸۵).

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی از نظر تارینگاری محلی است و مطالبی در باره پاره‌ای از ساختمان‌ها و سازمان آبیاری در آن دیده می‌شود؛ ولی بیشتر اوراق آن را سرگذشت اولیاء و مزارات ایشان در بر گرفته است (بارتلد، ۱۳۶۶: ۶۳). از نظر اسناد تاریخی یک کتاب کم ارزش است؛ چرا که مطالب تاریخی آن عمدتاً افسانه‌ای و دور از واقعیت هستند. از نظر ساختار ادبی کتاب دارای ساختار ادبی متوسط بوده و بر خلاف آثار تاریخی این دوره به ویژه آثار دوره نخست تیموری ساده و روان است و به نظر می‌رسد این سادگی بیشتر محصول

کار کاتبان بعدی این اثر است. از نظر ساختار شکلی هم کتاب فاقد مبنای تقسیم‌بندی است که البته با توجه به این‌که کتاب توسط ملا عبدالحکیم از روی نسخه‌های موجود تدوین شده است، امکان قضاوت در باره عامل این بی‌نظمی دشوار است.

این کتاب قندیه، که نخستین بار در سمرقند چاپ شده (همان: ۱۲) فشرده‌ای است از قندیه و قندیه خرد. این کتاب بار دیگر در سال ۱۳۶۷ به همت مرحوم ایرج افشار به اضافه کتاب سمریه ابوطاهر خواجه سمرقندی تصحیح و با کمک مؤسسه فرهنگی جهانگیری منتشر شد. کتاب قندیه به وسیله راو. ل یا نکین به روسی ترجمه و در سال ۱۹۰۶ م در سمرقند منتشر شده است (همان: ۱۴).

۲-۳- تاریخ ملازاده

تاریخ ملازاده (در ذکر مزارات بخارا) نوشته معین الفقرا احمد بن محمود، ملازاده بخاری در شرح برخی مزارات بخارا است. از احوال معین الفقرا احمد بن محمود، ملازاده بخاری، مؤلف کتاب، اطلاعات زیادی در دست نیست. بر اساس مطالب کتاب، وی دانشمندی با مشرب عرفانی و از خاندانی بزرگ بوده (معین الفقرا، ۱۳۷۰: ۶۶) و ظاهراً طبع نظمی هم داشته است. در طریقت، به خواجگان نقشبندی-خزفی مذهب- بستگی داشته است و خود را مرید خواجه محمد پارسا (متوفی در ۸۲۲ هـ) می‌داند (همان: ۱۷).

هدف اصلی مؤلف از تحریر کتاب چند عامل بوده است که توجه به این عوامل بسیار مهم و

قابا تامل است؛ زیرا این عوامل بازتابی از حیات فرهنگی شهرها و جوامع اسلامی هستند. مؤلف، نخستین انگیزه خود را از تحریر کتاب «... تقرب به ارواح طیبه و مشاهد مقدسه علمای دین و مشایخ روی زمین دانسته است (همان: ۱۵). انگیزه دیگر مؤلف شناساندن قدر و اعتبار و ارزش علما و آشکار ساختن مقامات آن‌ها بر مردم در زمان رحلت آن‌ها با اعتقاد به این که، این گروه از علماء و اولیاء، همان‌گونه که در زمان حیات، سبب هدایت خلق بوده‌اند؛ پس از وفات نیز تقرب به ارواح مقدس آنان همان اثر و نتیجه را دارند (همان: ۱۵). علاوه بر موارد فوق، مؤلف انگیزه دیگری داشته و آن تصحیح برخی رفتارها و عادات ابداعی مردمان در مناسک زیارت قبور بزرگان بوده است (همان: ۱۳).

موضوع کتاب به گونه‌ای که از متن آن مشخص می‌شود شرح حال بسیاری از علماء و بزرگان و مشایخ مدفون در بخارا است (همان: ۱). مؤلف در ارائه مطالب و آگاهی‌ها در باره مزارات بخارا، از شیوه‌های متفاوتی سود می‌جوید؛ گاه به اخباری که در افواه عامه مردم موجود است، استناد کرده و در بسیاری مواضع به نقد و جرح آن اخبار و باورداشت‌ها پرداخته است (همان: ۷۳). استنادات مؤلف از منابع توأم با ذکر نام مذبح است؛ مانند: نقل قول از کتاب ربیع‌الابرار، اثر زمخشری، (همان: ۲) و یا تاریخ جهانگشای جوینی (همان: ۳) و کتاب اخبار بخارای نر شخی (همان: ۴). جدای از موارد فوق، مؤلف در ارائه تاریخ تولد، فوت و یا سایر وقایع مهم زندگی افراد مورد

اشاره استفاده و بهره‌برداری وسیعی از «ماده تاریخ» نموده که غنا و دقت ویژه‌ای به کار وی بخشیده است. مؤلف در ارائه نشانی و فهرست قبور شهر، از یک روش ساده پیروی می‌کند. وی ابتدا به سراغ قدیمی‌ترین قبور شهر می‌رود، که طبعاً ایام پس از فتح شهر بخارا را در دوره اسلامی شامل می‌شود (همان: ۱۶). وی اصولاً از وجود مقابر متعلق به ادوار قبل از اسلام اطلاعی به دست نمی‌دهد. مؤلف با وجود اعتقاد به مشرب و سلسله نقشبندیان، در بررسی خود از مزارات شهر، در مقابل دیگر فرق، قضاوتی مذصفانه دارد؛ مثلاً از ائمه اسماعیلیه با احترام یاد می‌کند (همان: ۲۹).

مؤلف در ذکر اسامی مزارات، البته به گزینشی بظاهر ناگزیر دست زده است در ذکر و بررسی مزارات، در بیان تواریخ تولد یا مرگ افراد دقت زیادی به خرج می‌دهد. گاه دقت وی به حد ذکر روز، گاه حتی مواقع مختلف روز و ماه می‌رسد (همان: ۳۶). مؤلف علاوه بر استفاده از منابع و کتب مربوط به اشعار ماده تاریخی که در باره افراد مورد نظر سروده شده (همان: ۵۶)، از اطلاعات مندرج بر روی سنگ‌های مقابر، نیز استفاده کرده است (یوسفی‌فر، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

مطالب کتاب تاریخ ملازاده، در وهله اول امکان شناسایی نخبگان فرهنگی یک شهر اسلامی، میزان سلطه و نفوذی را که شخصیت‌های بزرگ و مورد اشاره در کتاب در جامعه آن روزگار داشته‌اند فراهم می‌کند. مرحوم ایرج افشار در اهمیت این کتاب می‌نویسد: تردیدی نیست که

این کتاب مختصر، فواید کثیر و عظیم را محتوی است و در تحقیق و تتبع راجع به احوال رجال مدفونان در بخارا و تدوین جغرافیای تاریخی بخارا مورد استفاده خواهد بود (افشار، ۱۳۳۹: ۳).

مؤلف در خلال مطالب خود درباره شخصیت‌های مدفون در مقابر، از کتاب‌ها و مصنفات آنان ذکری به میان می‌آورد (معین الفقرا، ۱۳۷۰: ۳۱). از خلال مطالب کتاب، امکان درک و بازسازی سلسله روابط استاد و شاگردی بسیاری از شخصیت‌ها امکان‌پذیر می‌نماید (همان: ۶۷). گاه سلسله روحانی و عرفانی عده‌ای از مشایخ و شاگردانشان نیز آورده شده است (همان: ۱۸ و ۳۰).

بسیاری از رفتارها و باورداشتهای اقشار عامه و یا نخبگان فرهنگی و اجتماعی بخارا در این زمان نیز از خلال مطالب کتاب بدست می‌آید. تأکیدات مؤلف بر این‌که در زیارت قبور معجزاتی است (همان: ۳۵)، نشانگر طرز تلقی و باورداشتهای مردم نسبت به صاحبان مزارات است. از طرفی نقدی که مولف بر برخی از رفتارها در طی زیارت مقابر بزرگان وارد می‌کند، نشانگر عدم توافق اقشار فرهیخته با باورداشت و رفتار قشرهای عامه مردم شهر در این خصوص بوده است (همان: ۱۲-۱۳). و در نهایت آن‌که توسل به مزارات علمای دین جهت استمداد از روح آن‌ها و نیل به هدایت با توسل به آنان است (همان: ۵۶). این نظر مؤلف، بیانگر اقبال و ارادت مردم به روحانیت مذاهب مختلف اسلام است.

ساختار ادبی کتاب با توجه به زمینه‌های ادبی در مؤلف به ویژه طبع شعری او، روان و متأثر از فضایی حاکم در آن دوران است و نزدیک به سیاق تاریخ بخارا است و مشرب عرفانی و اندیشه تصوف در آن نمایان است و از نظر ارزش تاریخ‌نگاری به ویژه تاریخ‌نگاری محلی، از جمله کتاب‌های در خور توجه و مهم است. کتاب در یک مقدمه و دو قسمت تدوین شده است. مقدمه شامل سه فصل است: در جواز زیارت، کیفیت زیارت و متن اصلی که شامل دو قسم است که قسم اول در ذکر مزار اکابری است که داخل شهر قرار دارند و قسم دوم در ذکر مقابر بیرون شهر.

این کتاب توسط مرحوم احمد گلچین معانی تصحیح و توسط انتشارات ابن سینا در ۱۳۳۹ منتشر شده است. اما چاپ جدید در ۱۳۷۰ توسط مرکز مطالعات ایرانی، به صورت افست انتشار یافته است.

۲-۴- تذکره هزار مزار (ترجمه شدالازار- مزارات شیراز)

این کتاب ترجمه کتاب «شدالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار» نوشته معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی است که پس از مرگش توسط فرزندش عیسی بن جنید شیرازی با عنوان «ملتمس الاحیاء خالصاً من الریاء» به فارسی ترجمه کرد.^۱

۱ - مترجم کتاب پدرش را که به زبان عربی نوشته شده بود به فارسی ترجمه کرد؛ چرا که عامه مردم به مطالعه آن به زبان عربی قادر نبودند. مترجم به این نکته اشاره نکرده است که چرا پدرش کتاب را به عربی نوشته که غالب مردم به عربی خواندن قادر نبودند. این در حالی است که مؤلف کتاب دیوان شعرش را به فارسی سروده و کتاب مزارت را به عربی. نکته مهم دیگر این که مؤلف کتابش

درباره خاندان او در صفحات پیشین اشاراتی شد و گفته شد که از خاندان معروف شیراز است و پدران و اجداد او در شیراز به وعظ و خطابه مردم می‌پرداختند. عیسی بن جنید کتاب پدرش شدالازار را به فارسی ترجمه کرد و نام آن را ملتمس الاحباء خالصاً من الریاء نهاد. انگیزه و هدف او از ترجمه و تکمیل اثر پدرش، پاسخ به نیاز جامعه آن روز شیراز از جهت شیوه زیارت مزار بزرگان و علما بوده است. مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد: «این کتاب ملتمس الاحباء... نام کتاب فارسی کرد و از جهت رفیقای شفیق که در زیارت چهل مقام شیراز می‌رفت و التماس کرد که مزارات که پدر تو و شیخ ما نوشته است، از مطالعه آن عاجزیم اگر تو فارسی کنی تا ما و دیگران از آن بهره‌مند شویم شاید که منظور اهل سعادت گردد (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۴) و این کتاب به «هزار مزار» یا «هزار و یک مزار» اشتهار یافته است (صفا، ۱۳۶۹: ج ۳/۲، ۱۰۶۱).

کتاب هزار مزار اگرچه ترجمه کتاب شدالازار است، اما از جهاتی قابل توجه و دارای اهمیت است. چه اولاً- متنی از اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم هجری مشتمل بر مطالب بسیار مهم و شایسته ملاحظه است؛ ثانیاً- نکات جالب و گوناگون در ترجمه آمده که در متن شدالازار از آن ذکر نیست و بیشتر متضمن مشاهدات شخص مترجم یا ملاقات‌ها و مصاحبت‌های وی با رجال معروف و مشاهیر عرفاست. مخصوصاً شروحي دارد

را برای توده مردم نوشته و این در حالی است که توده به عربی خوانی قادر نبودند و بعید به نظر می‌رسید که از زمان حیات مؤلف تا زمان ترجمه زبان مردم تغییر کرده باشد؛ چه آخرین کسی که مؤلف به تذکر آن پرداخته سعدی است که به فارسی کتاب نوشته است.

در باره افرادی که در زمان مؤلف شدالازار حیات داشته و بعد از وی سر در نقاب خاک کشیده‌اند؛ این شرح بسیار اهمیت دارند؛ چرا که در هیچ مأخذ دیگری از آن‌ها یاد نشده است (شیرازی، ۱۳۶۴: مقدمه مصحح ۵). جالبترین موارد این اضافات داستان‌هایی است که مترجم ناظر آن بوده و صحبت‌هایی است که بزرگان آن زمان با پدر مؤلف یعنی صاحب شدالازار داشته‌اند اگر صرفاً همین موضوع مورد نظر قرار گیرد باز کتاب حاضر بسیار با ارزش و محتوی مطالب گران‌بهایی است.

مترجم در پایان بسیاری از شرح احوال، مطالبی از خویش اضافه کرده یا مشاهداتی ذکر نموده که بسیار با اهمیت است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۸۲- یادداشت‌های قزوینی). مثلاً در شرح حال شیخ عروه بن مسعود، بدون ذکر مترجم مواردی را اضافه بر شدالازار آورده است (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۷۸). چیزی که همیشه بر ارزش کتاب می‌افزاید مسموعات و مشاهداتی است که خود مترجم نقل کرده که در واقع می‌توان گفت کتاب دیگری غیر از کتاب پدر عرضه داشته است (همان: ۹). در مواردی نام افرادی در ترجمه آمده که در شدالازار نیامده و آن شامل اسامی کسانی است که در زمان مؤلف در قید حیات بوده و فوت ایشان بعد از وفات مؤلف اتفاق افتاده است. در این موارد کار مترجم در واقع تکلمه کار پدر است.

نکته قابل تأمل دیگر این که، با وجود نواقص بسیار در ترجمه، این موضوع شایان توجه است که اگر این ترجمه برعهده دیگری

غیر از پسر مؤلف بود کتاب نقص‌های بدشتري پیدا می‌کرد. مترجم در بعضی مواضع از پدر خود حکایاتی نقل می‌کند و از مصاحبت وی با معاصرین موضوعاتی بیان می‌دارد که مسلماً دیگری را نقل آن روایات میسر نبوده است و این خود از مختصات بسیار مهم و با ارزش کتاب حاضر است.

در کنار محسنات، کتاب دارای نواقصی هم است. مهم‌ترین اشکال کتاب، عدم تسلط مترجم به زبان عربی بوده است؛ چون مترجم در ترجمه کتاب از ترکیب جمله‌های عربی متن تبعیت می‌کند. اکثر عبارات به سیاق فارسی نیست و گاه مترجم عیناً کلمات مهجور عربی مندرج در اصل را ضمن عبارات می‌آورد و چنین به نظر می‌رسد که چون از درک معانی آن عاجز بوده، ترجمه را به نحوی مجمل برگزار کرده است. مزید بر علت آن که مترجم سعی دارد اشعار عربی را به اشعار فارسی ترجمه کند، در حالی که چیزی که در مترجم نیست همان ذوق شاعری و هنر نظم است. مرحوم قزونی در مورد اشعار مترجم می‌نویسد: عربیتش بسیار ضعیف و ذوقش از آن ضعیفتر است؛ اصرار عجیبی دارد در ساختن اشعار بسیار سخیف و ملحون (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۵۷). ساختار کتاب بر اساس متن عربی کتاب تدوین شده است که شامل یک مقدمه و هفت نوبت و یک خاتمه است.

کتاب هزار مزار توسط دکتر نورانی وصال با استناد به دو نسخه خطی و با استناد به کتاب شدالازار، تصحیح و تهیه شده و در سال ۱۳۶۴ به وسیله انتشارات کتابخانه احمدی شیراز

منتشر شد. مصحح کتاب ضمن مقابله نسخه‌های موجود و برای بری آن‌ها با کتاب شدالازار، بسیاری از عیوب کتاب را اصلاح کرده و در مواردی، که ترجمه بسیار سخیف و کم‌مایه بوده، اصل عربی متن را نیز از کتاب شدالازار در پاورقی کتاب ذکر کرده است.

۲-۵- مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد آلامال خاقانیه

این کتاب نوشته امیر سید عبدالله الحسینی معروف به اصیل الدین و اعظ هروی (۸۸۳ یا ۸۹۲) در عصر سلطان ابوسعید گورکانی (۸۵۵-۸۷۳ ه.ق) و ظاهراً به اشاره آن پادشاه فراهم و نوشته شده است. امیر سیدعبدالله الحسینی (اصیل الدین و اعظ) اصلاً از سادات دشتکی شیراز بود و خاندان او در عصر شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق) یا سلطان ابوسعید گورکان از شیراز به هرات رفت و در آنجا اقامت گزیدند (واعظ، ۱۳۴۴: ج ۱).

سید اصیل الدین از محدثان و اعظ شهر هرات بوده (خواند میر، ۱۳۷۲: ۱۹۷) و همان‌گونه که اشاره شد کتاب را به اشارت سلطان ابوسعید تیموری، که به عرفا و صوفیان وقت اخلص زیادی داشته نوشته است (واعظ، ۱۳۵۱: ۴). اصیل الدین علاوه بر این کتاب آثار دیگری از جمله درج الدرر و معراج الاعمال را نگاشته است.^۱

مؤلف کتاب را در يك مقدمه و سه باب تألیف

۱- میرخواند در روضه الصفا- سه اثر را برای اصیل الدین نام می‌برد. ۱- درج الدرر ۲- رساله مزارات هرات ۳- معراج الاعمال (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۶۰؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۳۴).

کرده است. در مقدمه کتاب ضمن بیان اجرایی حکم سلطان ابوسعید تیموری در باب نگارش کتاب، به عنوان کتاب هم اشاره می‌کند (همان: ۴)، سپس به مأخذ زیارت و ذکر آداب شرایط و ارکان ضوابط آن و شرح روایات و اخباری که در این باب وارد شده و به ثبوت پیوسته، می‌پردازد (همان: ۵-۱۰): باب اول کتاب در ذکر مراقب جمعی از اکابر اولیاء است که در هرات و توابع آن مدفونند... از ابتدای فتح اسلام تا دوره تیمور. باب دوم در ذکر جماعتی که در درون هرات به اسم و لقب شهرت داشتند. باب سوم در ذکر جماعتی از اولیاء، اکابر، علماء و عرفاست که بعد از وفات امیر تیمور گورکان در هرات و توابع آن رحلت کرده‌اند.

اصیل الدین در این کتاب به شرح حال ۲۱۹ تن از علماء و مشایخ و درویش شهر هرات پرداخته و از سید عبدالله معاویه آغاز نموده و به مولانا زاده طفلدکانی خاتمه داده است. (واعظ، ۱۳۴۴: ج). این کتاب هرچند برای سلطان ابوسعید فراهم شده اما مؤلف آن را برای همگان نوشته و چندان به عبارت آرایه نپرداخته است تا خواص و عوام از آن استفاده نمایند. و از حیث پختگی کلام و متانت عبارت و امتیازات دیگر، نه به نفعات جامی می‌رسد و نه به تذکره الاولیای عطار نیشابوری. مع ذلک فهرست مرتب است از اسامی بزرگان و مشایخ هرات، که مؤلف به قدر توان فراهم نموده است (همان: ۵).

بعضی از اجزای این کتاب هرچند از نگاه

علم امروز و ارضای عقلی فی‌الجمله بعید می‌نماید، ولی محاسن و مزایای زیادی دارد که برای تاریخ و شناسایی هرات چه از نگاه جغرافیا و شناسایی برخی مواضع و دهات هرات و چه از نگاه رجال‌شناسی و انبوه عارفان و مشیخت‌مآبانی که از آن‌ها نام برده می‌شود سودمند می‌نماید. از طرفی تعدادی محلات و باغ‌ها را نیز نام می‌برد و جای آن‌ها را تعیین می‌کند که شناسایی آن بدون این کتاب مشکل است و همچنین تعدادی خانقاه‌هایی که در قرن هفتم تا نهم هجری در هرات بوده و عارفان در آنجا ریاضت‌کشی داشته‌اند و عده زیاد واعظان در ادوار مختلف در تاریخ هرات از مطالب این کتاب قابل‌شناسایی هستند.

این کتاب از نظر ادبی قدری ضعیف است و علت آن شاید این بوده باشد که اصیل‌الدین، واعظ بوده و سر و کارش با مردم عوام الناس بوده و به عبارت آرائی مترسلانه که در قرن نهم رواج داشته بی‌اعتنا بوده است (واعظ، ۱۳۵۱: ج). کتاب مقصدالاقبال به جهت اشمال بر آگاهی‌های فراوان در تاریخ و جغرافیای هرات در زمره منابع مهم تاریخ محلی به شمار می‌آید.

کتاب مقصدالاقبال به‌علاوه دو رساله دیگر، یکی مزارات هرات نوشته مولانا عبدالله بن ابوسعید هروی که به سال ۱۱۹۸ هجری نوشته شده و دیگری رساله مزارات هرات تألیف آخوندزاده ملامحمد صدیق نصری معلم حفاظ که آن را در سال ۱۳۵۰ هجری نوشته، توسط مرحوم فکری سلجوقی با عنوان رساله مزارات هرات در

سال ۱۳۴۴ در کابل منتشر شد. چاپ دیگری از این کتاب به کوشش مایل هروی در سال ۱۳۵۱ توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده که برخلاف رساله مزارات هرات شامل مقصد الاقبال- اصیل الدین و اعظ و مزارات هرات عبیداله بن ابوسعید هروی است.

۶-۲ - وسیله الشفاعات

حدود هفتاد، هشتاد سال پس از تألیف کتاب مقصد الاقبال السلطانیه به وسیله اصیل الدین و اعظ، شخصی به نام جلال الدین ابن عبد الجلیل هروی، متن مقصد الاقبال را به تمامی و با اندکی تغییر به نام خودش تحریف کرده و آن را وسیله الشفاعات نام نهاد. از احوالات مؤلف اطلاعی در دست نیست و به نظر شخصیت گمنامی بوده است که می‌خواسته با این نوشته شهرتی به هم زند.

جلال الدین با اندک پس و پیش کردن جملات و اندکی تصرف در زیاد و کم کردن عبارت، کتابی تدوین نمود و مقدمه‌ای بر آن نوشت و با آوردن برخی داستان‌های خرافاتی سعی نمود کار خویش را اثری نو و محصول اندیشه و تلاش خود معرفی نماید. او با افزودن تذکره چند تن از درویشان و عارفان و علما، که بعد از سال ۸۶۴ تا عصر خودش که در هرات از دنیا رفته بودند، متن مقصد الاقبال را انتقال کرد و نام اصیل الدین و اعظ را ابداً یاد نکرد؛ چندانکه گویی هرگز آن کتاب را ندیده و نشنیده و از آن اطلاعی ندارد (واعظ: ۱۳۴۴، مقدمه فکری سلجوقی). این در حالی است که اگر وسیله الشفاعات را با مقصد الاقبال مقابله نمایم،

می‌بینیم که عبارت هر دو یکی است و اندک اختلافی که در بعضی جای‌ها به نظر می‌رسد به قدری کم اهمیت است که اگر از افزوده‌های عمدتاً خرافی جلال‌الدین صرف نظر کنیم این پندار به وجود می‌آید که اختلاف دو کتاب صرفاً یک سهو کاتب بوده و نه تصرف و تحریف عمدی. به هر حال مزارنویسان بعدی از آن استفاده نموده‌اند. صاحب رساله دوم مزارات هرات یعنی مولانا عیبدالله بن ابوسعید از وسیله الشفاعات اطلاع داشته و در کتاب خود آن را بیان کرده است (همان: ۱۰۶) و برخی از ترجمه‌ها را در فاصله سال‌های ۸۶۴ تا ۱۱۹۸ ق از وسیله الشفاعات گرفته است (واعظ، ۱۳۵۱: بیست و سه، مقدمه مایل هروی).

از برخی اضافات وسیله الشفاعات بر کتاب مقصدالاقبال مشخص می‌شود که مؤلف وسیله الشفاعت فردی پاک‌نهاد، اما زود باور و ساده بوده و هر چه را که شنیده باور کرده و در کتاب خویش ضبط نموده و اضافات او بر کتاب مقصدالاقبال مملو از داستان‌هایی است که برای هیچ کس قابل باور نیست؛ مانند بر روی آب رفتن درویش عباسی زیارت گاهی و پیداشدن درویشی محمدکاز گاهی بر روی بحر و گرفتن کشتی را و به ساحل کشیدن و از غرقاب نجات دادن (همان: و).

هدف مؤلف از تدوین این اثر عمدتاً بیان کرامات، مقالات و خوارق عادت، علما و عرفا بوده و این کار را با انگیزه این‌که این عمل او مایه شفاعت و سعادت ابدیش گردد انجام داده است. این کتاب علی‌رغم ضعف‌های بسیاری

که دارد اما از جهتی دارای ارزش و قابل توجه است و اهمیت آن این است که حلقه گسست رساله مزارات هرات را وصل نموده و آن مایه که فراهم کرده به دست مولانا عبید الله هروی سپرده تا وی جلد دوم مزارات هرات را شیرازه‌بندی کند (همان: ز).

از کتاب و سیله الشفاعات یک نسخه خطی قدیمی در افغانستان شناسایی شده است که فکری سلجوقی و مایل هروی در تصحیح مقصدالاقبال از آن استفاده کرده‌اند. اما این کتاب تاکنون تصحیح و منتشر نشده است.

۷-۲ - تذکره الاولیاء

تذکره الاولیاء محرابی یا مزارات کرمان نوشته سعید محرابی معروف به خطیب است که به سال ۹۲۵ ه ق تألیف شده است. مؤلف از احفاد شیخ سیف الدین باخزری و شیخ برهان الدین باخزری معروف بوده و مشرب تصوف داشته است (محابی کرمانی، ۱۳۳۰: ۲۶ مقدمه).

سبک انشایی کتاب چندان محکم نیست، اما در مقایسه با نثر رایج در قرن نهم نسبتاً خوب است و در مقایسه با آثار قرن دهم و دوره صفوی نثر کتاب خوب است و مطالب آن نیز به بعضی مقابر و بقاع معروف کرمان در زمان مؤلف مربوط است، معذالک، در بعضی موارد مطالبی از تاریخ کرمان نیز در آن می‌توان یافت. گرچه شرح حال عرفای کرمان را دقیقاً ننگاشته و بیشتر به خوارق عادات آنان پرداخته، معذالک می‌توان قسمت‌هایی از آن را جزء تاریخ کرمان به حساب آورد (همان: ۲۱ مقدمه). مرحوم

کوهی در مقدمه می‌نویسد: «که این کتاب در سال ۹۲۵ هجری نگاشته شده است.» و این معنی را ظاهراً از یک جمله کتاب که می‌نویسد: «این تاریخ که خمس و عشرین و تسعمائه...» استنباط کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۴۰: ۹).

این کتاب با وجود اشمال بر قصص و مبالغات و مسامحات بسیار برای معرفت احوال اجتماعی کرمان در آن ایام ماخذي مفید است» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۹۳). این کتاب ارزش یک اثر تاریخی را دارد و چون در آن، بعضی موضوعات و مطالب تازه دیده می‌شود که در جای دیگر نیست و گاهی کمک به توضیح بعضی مطالب مهم دیگر کتب می‌کند همین بر ارزش این اثر تاریخی افزوده و می‌افزاید...» (محرابی، ۱۳۳۰: مقدمه مصحح، ص بیستم). این کتاب در سال ۱۳۳۰ به اهتمام حسین کوهی کرمانی مدیر روزنامه نسیم صبا و به راهنمایی و مساعی سید محمد هاشمی کرمانی نماینده سابق مجلس شورای ملی در چابخانه مجلس شورای در ۲۱۲ صفحه کوچک با حروف ۱۸ و بر روی کاغذ کاهی به چاپ رسیده است.

۲-۸- روضات الجنان و جنات الجنان

مؤلف این کتاب حافظ حسین کربلایی (م ۹۹۷) مشهور به درویش حسین، متخلص به خادم (کربلایی، ۱۳۴۴: ۲۲) و معروف به کربلایی، بابافرجه، عارف، تاریخ‌نگار، شاعر و خوشنویس شیعی (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ج ۱۱، ۲۸۰) ایرانی است. از زندگانی وی آگاهی چندانی در دست نیست. او از مردم تبریز بوده، اما چون مدت دراز در قزوین که در آن زمان پایتخت صفویان

بود اقامت داشت به قزوینی نیز آوازه یافت. در سال ۹۸۸ ق از راه دمشق به زیارت حج رفت و پس از گذاردن حج به تبریز بازگشت، اما اندکی پس از آن به دمشق کوچید و بقیه زندگی‌اش را در این شهر به سر آورد. در دمشق با بدرالدین حسن بوزینی شاعر، محدث و ریاضیدان سوری دوستی داشت (همان: ۱۸). حافظ حسین با شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) هم عصر بوده و یک بار در محله خراب دمشق با او دیدار کرد (امین، ۱۴۰۳: ج ۶، ۱۲۷). وی خطوط ششگانه را خوش و زیبا می‌نوشت و در خوشنویسی شاگرد علاء الدین علی بیک تبریزی بوده است (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۳۶). در عرفان از طریقه کبرویه پیروی می‌کرده و مرید سیداحمد حسینی باب الابوابی بوده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۴۰۶). گذشته از دیوان شعر و مجموعه‌ای از آثار خوشنویسی، مهم‌ترین تألیف حافظ حسین کتاب روضات‌الجنان و جنات‌الجنان است (انوشه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۸). حافظ حسین در ۱۶ ذی القعدة سال ۹۹۷ در دمشق فوت کرد^۱ و در مرج الدحداح نزدیک قبر شیخ ابوشامه به خاک سپرده شد (کربلایی، ۱۳۴۴: ۲۲).

روضات‌الجنان و جنات‌الجنان، در دو مقدمه و هشت روضه و یک خاتمه تدوین شده است. در مقدمه نخست مؤلف ضمن بیان پنجاه سالگی خود اشاره می‌کند که از مریدان صفی‌الدین بوده و در همین زمان به فکر افتاد که احوال و آثار و مدفن و مزار اولیای کبار و علمای عالی‌مقدار را که در تبریز و حدود آن مدفون

۱ - محمدعلی مدرس فوت او را در آغاز سده یازده می‌داند (مدرس، بی‌تا، ج ۸: ۱۶۸).

هستند بیان کند و چون ذکر مقابر و مراقده این بزرگان في الحقیقه روضه‌ای است از روضات الجنان، مرسوم گشت به روضه الجنان و جنات الجنان (همان: ۳). در مقدمه دوم، مؤلف در طریق و قائده زیات قبور مؤمنان و مؤمنات سخن گفته است. مؤلف این مقدمه را عیناً با تغییر بعضی کلمات از کتاب مقصدالاقبال سید اصیل‌الدین واعظ اخذ کرده است.^۱

متن کتاب شامل هشت روضه است که تذکره ۱۸۳ نفر علما، عرفا، زهاد و بسیاری از بزرگان مدفون در مزارات تبریز است، به اضافه شرحی در ذکر احوال محمد الحسینی حسنی موسوی مشهور به آلاله و تذکره سلسله عید اللهیه علویه علاءولویه کبرویه (همان: ۲۰۷، ۲۴۳). خاتمه کتاب در بیان معنی نبی، رسول، ولی، مرشد، نبوت، ولایت و آنچه به این اصطلاحات تعلق دارد با استناد به آیات قرآن و حدیث نبوی (همان: ۵۰۴، ۵۲۹).

کتاب روضات الجنان و جنات الجنان، نخستین تاریخ محلی شهر تبریز است که البته در قالب مزارنویسی تدوین شده است (سالاری شادی، ۱۳۸۳: ۳۸۵). مؤلف در تاریخ بخصوص تاریخ عراقین، آذربایجان، فارس، خراسان و... از آگاهی زیادی برخوردار بود. اهمیت کتاب بنا به نوشته مصحح کتاب، ثبت متون مکاتیب بعضی از علما و مشایخ و نقل اجازت و خرق آنها و بیان فعلی از سنن و آداب مذهبی و اخلاقی و

۱ - این مقدمه کاملاً از مقدمه اصیل‌الدین واعظ اخذ شده و در اکثر موارد عین متن آورده شده است. برای مثال در صفحه ۱۴ روضات الجنان و جنات الجنان آمده «در بعضی از کتب معتبره مسطور است که مستحب است بمساجد قدیم و معابد کریمه و صوامع و خلوات اکابر و اولیا رفتن...». عین همین متن در مقدمه مقصدالاقبال ص ۱۰ بیان شده است.

و صف قسمتی از عمارات و ابنیه و زوایا و جوامع و معابد تبریز و ذکر مجملی از تاریخ خلفا و سلاطین و امراء و ترجمه جمعی کثیر از بزرگان و مشایخ و زهاد و علما و قرأ و شعرا و وزرا و صدور ملوک و خوشنویسان و ارباب هنر و تعیین قبور و مدفن آن‌ها با استطراد بسیاری از نوادر حکایات و طرف قصص، که مرجع و مأب پاره‌ای از آن‌ها درایه و ردایه به خود مؤلف است، از محاسن این کتاب است (کربلائی حسین، ۱۳۴۴: ۲۶- مقدمه مصحح).

این کتاب، که تلفیق گونه‌ای از مزارنویسی و تذکره رجال و مشایخ، صوفیه، تاریخچه اسلام و احوال ائمه شیعه اثنی عشر است، طبیعتاً مانند غالب آثار صوفیه مملو از تعریف و تمجید در حق صاحب ترجمه است. کتاب مملو از نکات صوفیانه، داستان‌های کرامت‌گونه و رویاهای صادقانه، خرق عادت در حق مشایخ و صوفیه است و با اشاره به تحصیلات، استادان و تاریخ وفات و بعضاً تاریخ ولادت تکمیل گردیده است.

مؤلف انگیز، و هدف خود را بیان احوال و آثار مدفونان و صاحبان مراقب و مقابر تبریز، که تاکنون کسی معترض آن نشده است، عنوان کرده است (همان: ۳-۲/۱). مؤلف مانند سایر مزارنویسان، زیارت را مستحب و آن را سنت الهی خوانده و با استناد به احادیثی در فضیلت زیارت، به آداب، قواعد و شرایط آن به تفصیل پرداخته است (همان: ۵، ۱۴). بدین سان کتاب با وجود آنکه یک مزارنویسی است، نوعی تذکره صوفیانه نیز است. مؤلف در خصوص سلسله

صفوی بخصوص شاه اسماعیل با احتیاط سخن گفته است. او ظاهراً نسبت به شاه اسماعیل نظری منفی ندارد و نوشته است حضرات ائمه معاون و مددکار او بوده‌اند (همان: ۳۰۲/۲). در موضعی کامیابی او را از قبل دولت شیخ صفی‌الدین تلقی کرده است (همان: ۲۰۴/۲).

مؤلف فارغ از تعصب مذهبی عصر صفوی با سعه صدر بسان متصوفه عصر تیموری بزرگان تشیع و تسنن را با دیده تکریم و تحسین نگریسته است و با پرداختن به ترجمه احوال صاحبان مزارات، که اغلب سنی مذهب هستند، انگیزه واقعی خود را نشان داده است. یادآوری احوال بزرگان تسنن در ایامی که به نبش قبر آن‌ها اقدام می‌شد مسأله قابل تأملی است (همان: ۳۱۵/۱). از طرفی او در تحمیدی‌ه خود از اصحاب پیامبر یاد نموده است (همان، ۱: ۱۲). با این وصف، مؤلف قطعاً شیعه نبوده؛ چرا که در آن ایام مذهب تشیع در اوج کامیابی بود و مؤلف هیچ تعصبی در این مورد از خود نشان نداده است. با این همه پرداختن وی به احوال ائمه شیعه را باید در قالب بینش صوفیانه او یا شاید جهت تبرئه باشد.

این کتاب در سال ۱۳۴۳ به همت آقای جعفر سلطان‌القرائی با اتکاء بر دو نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه اسعد افندی با دقت و حساسیت در خورشایسته‌ای تصحیح شد و در سال ۱۳۴۴ توسط انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در دو مجلد در دو هزار نسخه منتشر گردید.

۲-۹- روضه اطهار

روضه اطهار کتابی است به فارسی درباره مقابر، مزارات و شرح زندگی اولیای مشایخ، شعرا و عرفایی که در تبریز و پیرامون آن در گذشته‌اند. این کتاب تألیف ملامحمد امین حشری تبریزی از شعرای قرن یازدهم هجری است. مؤلف از مداحان و وظیفه خواران شاه عباس اول بوده است، او غزوات شاه عباس را به سلك نظم کشیده و روضه ابرار نام نهاده و آن را در بحر مخزن الاسرار به سال ۱۰۱۱ ه.ق سروده است. هر دو کتاب به نظم و نثر درخصوص مقام اولیاء و مشایخ و شعرا و عرفایی است که در تبریز و حوالی آن دفن شده‌اند (دولت آبادی، ۱۳۴۵: ۷۸).

مؤلف در دیباچه کتاب سبب تألیف این تذکره را چنین شرح می‌دهد: «حقیقیر روزی با جمعی از یاران کتابی چند در میان آورده صحبت می‌داشت. یکی از آن کتب تذکره الاولیاء بود. بدین تقریب یکی از یاران گفت جهت اولیایی که مدفون شیرازند تذکره علیحده تصنیف نموده‌اند، موسوم به هزارمزار و قبل از این، درویش حسین نام شخصی در مقابل آن تذکره جهت اولیایی که در تبریز مدفونند نوشته آن را مزارات قبور نام کرده بود. تاریخش از اسمش بیرون می‌آید و پیش از اتمام در غارت، آن نسخه به تاراج رفت و بعد از او هیچ‌کس بدین امر ارتکاب ننموده و این آرزو در دلها ماند؛ یکی دیگر از آن یاران به بنده تکلیف تألیف تذکره اولیایی که مدفون به تبریزند نموده حضار هم ترغیب و تأکید نمودند...

في الجملة قبول نمودم... و قدم سعی در بادیه طلب نهاده مدتی تردد و تفحص نموده، از کتب معتبر و اقوال مصحح به قدر مقدور جمع و تذکره عاری از لباس عاریت عبارت و مجرد از تکلف استعارات تألیف نموده، روضه اطهار نام کردم تاریخش از روضه مفهوم می‌شود (حشری تبریزی، ۱۳۷۱: ۱-۲).

ملاحمد امین حشری مطالبی را از کتاب حافظ حسین حذف کرده و تذکره بیش از صد نفر را به آن افزوده است. از جمله این که زندگینامه چهارده معصوم را در آغاز کتاب آورده بی‌آنکه هیچ یک از ایشان در تبریز و پیرامون آن مدفون باشند (حجتی، ۱۳۷۸: ج ۷، ۳۷۷).

در یک مقایسه کلی بین کتاب کربلایی حسین و ملاحمد امین حشری باید گفت که ملاحمد امین حشری کلیات کتاب کربلایی حسین را مبنای کار خود قرار داده و به تناسب فضای فکری تغییراتی در آن داده است^۱. روضه اطهار مانند روضات الجنان را (که هشت روضه دارد) دارای ۸ باب است با این تفاوت که روضه هفتم روضات الجنان (که در ذکر احوال امیر بدرالدین احمد لاله سر سلسله خاندان لاله سنی مذهب و مغبوض سلاطین صفویه بوده) و همچنین روضه هشتم (که در ذکر سلسله عید الهیه علویه علاءولویه کبرویه که امیر بدرالدین احمد لاله منسوب به این سلسله است) حذف کرده است. علاوه بر این تفاوت‌های ساختاری، از حیث محتوا نیز تفاوت‌های بسیاری بین کتاب ملاحمد

۱ - برای آگاهی کامل از تفاوت‌های کتاب ملاحمد امین حشری با کتاب کربلایی حسین به مقاله آقای عزیز دولت آبادی با عنوان چند نکته درباره روضه اطهار که در نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز شماره ۷۷ سال ۱۳۴۵ رجوع شود.

امین حشری با کتاب کربلای حسین دارد. از جمله اینکه به جای اینکه مراجع و منابع ذکر شود عبارتی نظیر: گویند، در اخبار آمده است... به کار رفته است (دولت آبادی، ۱۳۴۵: ۸۷، ۱۳۶). در کنار ایراد های اساسی، که در کتاب ملامحمد امین حشری وجود دارد، این اثر از چند جهت قابل توجه است. نخست این که ملامحمد امین، تذکره حدود یک صد تن را بر کتاب کربلای حسین افزوده است که نشانی از تذکره آن ها در کتاب کربلای حسین نیست. و دیگر اینکه این اثر نشان دهنده تأثیر حاکمیت سیاسی بر فضای فکری جامعه ایران است.

از کتاب روضه اطهار دو نسخه خطی موجود است که یکی در کتابخانه آستان قدس رضوی و دیگری در تبریز است که به چاپ رسیده است. این کتاب در سال ۱۳۷۱ به تصحیح آقای عزیز دولت آبادی تصحیح و توسط انتشارات ستوده در تبریز چاپ شده است.

نتیجه

دانش مزارات (مزارنویسی) یکی از ده ها شعبه شرح حال نگاری اسلامی و از شاخه های اصلی تاریخ نگاری محلی با رویکرد مذهبی و فرهنگی است. از آنجایی که وجود قبور علما و عرفا و اولیا در شهرها عاملی برای حفاظت شهر از آفات و بلیات انسانی و آسمانی و طبیعی به شمار می آمدند، توجه به تذکره آن ها از جهت شناساندن آن ها و بهره گرفتن از انفس روحانی آن ها زمینه تدوین آثاری در مزارنویسی شد.

توجه به مزارنویسی در تاریخنگاری ایرانی، به ویژه در تاریخنگاری محلی، به صورت پراکنده از سده های سوم و چهارم آغاز شد. اما مزارنویسی به صورت یک شاخه مستقل از سده هشتم آغاز شد و از آن زمان تا به امروز آثار بسیاری در این عرصه تدوین شده است. مجموع آثاری که از سده هفتم تا سده دوازدهم در این شاخه از تاریخنگاری تدوین شده است، به عنوان است که از نظر پراکندگی جغرافیایی به شش شهر تعلق دارند: دو عنوان به شهر تبریز، دو عنوان به هرات، دو عنوان به شیراز، یک عنوان به سمرقند، یک عنوان به بخارا و یک عنوان به کرمان.

ظهور و گسترش مزارنویسی از سده هشتم در ایران معلول رشد تصوف در این دوره است. از نیمه دوم سده هفتم با حمله مغولان به ایران، اندیشه تصوف به صورت فراگیر در میان توده نفوذ یافت؛ چراکه حمله مغولان جامعه ایرانی را دچار، آلام و مصیبت های بسیاری کرد و ایرانیان برای التیام آلام ناشی از این مصیبت به رفتارهایی که عمدتاً در آموزه های عرفانی و تصوف نمایان شده بود، گرایش پیدا کردند و به همین جهت توجه به عرفا و اولیاء الله چه زنده و چه فوت شده مطمح نظر اقدشار مختلف جامعه ایرانی قرار گرفت. در واقع توجه به اولیاء الله و اعتکاف در مزارات آنها نوعی آرام بخشی درد های ناشی از حوادث تلخ پس از حمله مغولان بود. این توجه، ضرورت تدوین تذکره هایی را برای آشنایی عموم مردم با این اولیاء و بزرگان فراهم کرد و در قالب مزارنویسی آثار مهمی پدید آمد.

نویسندگان این آثار عمدتاً مشرب عرفانی داشتند و اکثراً از علما، شعرا و عرفای زمان خود بودند. اهداف آن‌ها از تدوین این آثار عبارت بود از:

۱- راهنمایی زیارت‌کنندگان قبور، به ویژه قبور امامان و امام زادگان.

۲- تقرب به ارواح طیبه و مشاهد مقدسه علمای دین و مشایخ روی زمین.

۳- گرایش‌های حبالوطنی و زنده نگاه داشتن نام بزرگان و اولیای یک شهر و یا یک منطقه.

۴- شناسایی قبور علما و بزرگان و ممانعت از فراموشی و نسیان نام و مقام آن‌ها.

با توجه به علل شکل‌گیری این شاخه از تاریخ‌نگاری محلی و مشرب فکری نویسندگان و اهدافی که مزار نویسان داشتند، عمده مخاطبان این آثار، در درجه نخست توده مردم بودند که به شناخت صاحبان مزارات و آداب زیارت آن‌ها نیاز داشته و دیگر عالمان دینی و اهل طریقت، که به شناخت و معرفی و احیای نام بزرگان دینی علاقه‌مند بودند و همچنین برخی از اهل حکومت و سیاست که به زنده کردن نام علما و عرفا و دانشمندان علاقه‌مند داشتند.

آثار مزارنویسی از جهت محتوا در صد د تامین نیاز این مخاطبان بودند. در مقدمه همه این آثار به محاسن شهرها، اهمیت زیارت قبور و پاسداشت مدفونان و انگیزه‌ها و اهداف نگارندگان آن‌ها پرداخته شده است و اطلاعات بسیار دقیق و ارزنده‌ای در باره تاریخ شهرها

و باورهای مردمان ساکن در آن‌ها، ارائه شده است. در متن همه این آثار عمدتاً به تذکره صاحبان مزارات پرداخته‌اند و کمتر به نقد و انتقاد مدفونان در مزار از جهت تبارشناسی یا تحقیق در مکان دفن پرداخته‌اند و یا علت تعداد مزارات را با یک نام و نسب روشن ننموده‌اند.

نکته قابل توجه این‌که آثار مزارنویسی با وجود ارائه اطلاعات جزئی و دقیق از اوضاع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، به ویژه تذکره علما، عرفا و اولیای شهرها، عمدتاً همراه با غلو و اغراق و بعضاً غیر واقع در باره صاحبان مزارات هستند؛ چرا که پاره‌ای از مزارات ساخته سیاست‌زمان و یا هم‌چشمی اهل محلی یا محل دیگر (که مزاری داشته‌اند) بوده است. بنا براین بخش اعظم این آثار به افعال و اعمال صاحبان مزارات مربوطند. اما صرف نظر از این‌که این منابع در داده‌های خود بخصوص در مسائل غیر عادی صادق باشند، یکی از منابع مهم تاریخی به شمار می‌آیند و بخشی از تاریخ گذشته مدیون اطلاعاتی است که در این منابع ارائه شده است. این امر نه فقط شامل اطلاعات عادی بلکه پیشینه اندیشه و تفکر و گفتمان‌های حاکم بر جامعه ایرانی را نشان می‌دهد.

منابع

- آقا بزرگ طهرانی، شیخ محسن، (۱۴۰۳)، *الذریعه الي تصانیف الشیعه*، ج ۱۱، بیروت، دارالاضواء.
- ابن فندق، علی بن زید، (۱۳۶۱)، *تاریخ بیهقی*، به تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، تهران، انتشارات کتابفروشی فروغی.
- اذکایی، پرویز، (زمستان ۱۳۸۴)، *مزارات همدان*، میراث جاویدان، ش ۵۱، س ۱۳، صص ۳۱-۴۴.
- _____، (پاییز ۱۳۵۴)، *در آمدی بر مزار شناسی ایران*، مردم شناسی و فرهنگ عامه، ش ۲، پاییز ۱۳۵۴، صص ۱۱-۱۷.
- امین، سید محسن، (۱۴۰۳)، *اعیان الشیعه*، ج ۶، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات.
- انوشه، حسن، (۱۳۷۶)، *حافظ حسین کرلایی*، دایره المعارف تشیع، ج ۶، تهران، مرکز دایره المعارف شیعه.
- بارتلد، و. و. (۱۳۶۶)، *ترکستان نامه*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- جزائری، سید عبدالله، (۱۳۴۸)، *تذکره شوشتر*، تهران، انتشارات کتابخانه صدر.
- جعفری، جعفر بن محمد، (۱۳۳۳)، *تاریخ یزد*، به اتمام ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، (۱۳۷۲)، *تاریخ حبیب السیر*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- _____، (۱۳۵۳)، *تاریخ حبیب*

- السیر، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خیام.
- حاکم نیشابوری، ابو عبد الله، (۱۳۷۵)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد بن حسین نیشابوری، مقدمه و تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه.
- حجتی، حمیده، (۱۳۷۸)، *روضه اطهار*، دایره المعارف تشیع، ج ۷، تهران، مرکز دایره المعارف تشیع.
- حشری تبریزی، ملا محمد امین، (۱۳۷۱)، *روضه اطهار*، به تصحیح و اهتمام عزیز دولت آبادی، تهران، انتشارات ستوده.
- دولت آبادی، عزیز، (تابستان ۱۳۴۵)، *چند نکته در باره روضه اطهار*، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ش ۷۸، صص ۱۲۳-۱۵۱.
- رحیم لویوسف، (بهار ۱۳۸۴)، *سیر تاریخ‌نگاری ایالت فارس*، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، ش ۴۰، صص ۱-۱۲.
- زنگنه، ابراهیم، (تابستان ۱۳۷۳)، *مزارات ایران*، مشکوه، ش ۴۳، صص ۱۸۰-۱۹۵.
- سمرقندی، محمد بن عبدالجلیل، (۱۳۶۷)، *قندیه (قندیه و سمریه)*، به کوشش ایرج افشار، تهران، مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم جنید، (۱۳۲۸)، *شد الازار فی حط الازار عن الزوار المزار*، به تصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، انتشارات نوید.
- _____، (۱۳۲۰)، *دیوان شعر*، مقدمه سعید نفیسی، تهران، بی‌نا.

- شیرازی، عیسی بن جنید، (۱۳۶۴)، *تذکره مزار مزار*، به تصحیح دکتر نورانی وصال، شیراز، انتشارات کتابخانه احمدی شیراز.
- صفاء ذبیح الله، (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۳/۲، تهران، انتشارات فردوس.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین، (۱۳۴۴)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، به تصحیح و تعلیق جعفر سلطان القرائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کاتب، احمد بن حسین، (۱۳۵۷)، *تاریخ جدید یزد*، بکوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۳)، *تاریخ تذکره‌های فارسی*، ج ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- محرابی کرمانی، سعید، (۱۳۳۰)، *تذکره الاولیاء یا مزارات کرمان*، به راهنمایی محمد هاشمی کرمانی و به اهتمام حسین کوهی کرمانی، تهران، چاپخانه مجلس.
- مدرس، محمد علی، (بی‌تا)، *ریحانه الادب*، چاپ سوم، ج هشتم، تبریز، انتشارات کتابفروشی خیام.
- مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۴۵)، *مزارات خراسان*، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، (۱۳۴۲، ۱۳۴۰)، *جامع مفیدی* (جلد اول و سوم)، بکوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات کتابفروشی اسدی.
- میر انصاری، علی، (۱۳۸۹)، *جدید شیرازی*، دایره

- المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- میرخواند، میر محمد بن سید برهان الدین خواندشاه، (۱۳۳۹)، *تاریخ روضه الصفاء*، ج هفتم، تهران، انتشارات خیام، پیروز، مرکزی.
- نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، *تاریخ نظم و نثر در ایران*، چاپ دوم، ج ۱۰، تهران، کتابفروشی فروغی.
- واعظ، سید اصیل الدین عبدالله، (۱۳۵۱)، *مقصد الاقبال و مرصد الامال خاقانیه*، به کوشش ما یل هروی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- _____، (۱۳۴۴)، *رساله مزارات هرات*، به تصحیح فکری سلجوقی، کابل، بی‌نا.
- یوسفی فر، شهرام، (خرداد و تیر ۱۳۸۰)، *تاریخ ملازاده*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۴۴-۴۵، صص ۱۲۹-۱۲۱.